Iran Varzeshi Newspaper

iranvarzeshii

www.INN.ir/sport

• چهارشنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۵ • ۲۷ ربیع‌الاول ۱۴۴۸
• سال سی‌ام • شماره ۸۲۰۷

ایران ورزشی

• صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
• مجری: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل و مدیر مسئول : علی متقیان
• سردبیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین
• سردبیر ایران ورزشی: علی جوادی
• تلفن: ۱۴ـ۸۸۵۰۴۱۱۳ • نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳
• چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم
• سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ ۸۸۵۰۱۳۰۰ ـ ۸۸۷۴۶۵۸۳
• امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ ـ ۸۸۵۲۱۹۵۴
• نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
• صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵

نقش رسانه و افکار عمومی در سنجش بازدارندگی

نکته دیگری که در این میان نباید نادیده گرفته شود، نقش رسانه‌ها و افکار عمومی در شکل‌دادن به ادراک عمومی از بازدارندگی است.
در غیاب شفافیت کامل درباره روند رسیدگی، مستندات پرونده و معیارهای دقیق تعیین میزان مجازات، افکار عمومی عمدتاً بر اساس همان عدد نهایی رأی قضاوت می‌کند؛ ۴ ماه، ۴ جلسه، فلان مبلغ جریمه. این در حالی است که ممکن است پشت هر رأی، ملاحظات فنی، حقوقی و رویه‌ای متعددی وجود داشته باشد که برای مخاطب عادی قابل‌مشاهده نیست.
ولی این واقعیت تغییری در نتیجه نهایی ایجاد نمی‌کند که اگر نهاد صادرکننده رأی نتواند منطق و تناسب تصمیم خود را برای افکار عمومی توضیح دهد، حتی عادلانه‌ترین حکم نیز در معرض این خطر قرار می‌گیرد که به‌عنوان یک تصمیم ناکافی یا سلیقه‌ای تلقی شود. از این منظر، شفافیت در انتشار مستندات و استدلال‌های پشت هر رأی، به‌اندازه خود محتوای رأی، در ایجاد بازدارندگی نقش دارد؛ چرا که بازدارندگی، در نهایت یک پدیده ادراکی است، نه صرفاً یک واقعیت حقوقی.

چرا احکام انضباطی در فوتبال ایران الزاماً به تغییر رفتار منجر نمی‌شوند؟

وقتی انضباط، عدد می‌شود

عکس: باشگاه تراکتور

گزارش ویژه

محمدرضا رحیم‌پور
خبرنگار

هر بار که ارکان قضایی فدراسیون فوتبال درباره چهره‌ای شناخته‌شده رأی صادر می‌کنند، پیش از آنکه متن حکم و استدلال‌های حقوقی آن مورد توجه قرار گیرد، یک پرسش در فضای فوتبال شکل می‌گیرد: «چند جلسه؟ چند ماه؟ چقدر جریمه؟»
حواشی دیدار هفته ششم لیگ برتر میان تراکتور و گل‌گهر سیرجان نیز از این قاعده مستثنی نبود. کمیته انضباطی پرونده را بررسی و رأی خود را صادر کرد، اما آنچه بیش از متن احکام توجه افکار عمومی را به خود جلب کرد، میزان مجازات‌ها بود. خداداد عزیزی به چهار ماه محرومیت از حضور در ورزشگاه‌ها و امید عالیشاه هم به چهار جلسه محرومیت محکوم شدند.
از همان ساعات نخست انتشار رأی، بحث اصلی نه بر سر مبنای حقوقی احکام، بلکه درباره کافی یا ناکافی بودن همین اعداد شکل گرفت. گویی در فوتبال ایران، نخستین چیزی که باید از یک رأی انضباطی فهمید، نه «چرا» بلکه «چقدر» است.
این روند البته تازگی ندارد. در فوتبال ایران، رقم مجازات معمولاً بسیار زودتر از منطق و استدلال پشت آن به موضوع اصلی تبدیل می‌شود. انگار مهم‌ترین بخش یک حکم انضباطی، نه چرایی صدور آن، بلکه عددی است که در انتهای رأی درج شده است.

قانونی بودن، بازدارنده بودن نیست

ممکن است حکمی کاملاً منطبق با آیین‌نامه صادر شده باشد و از منظر حقوقی نیز ایراد قابل توجهی نداشته باشد اما این موضوع لزوماً به معنای تحقق هدف اصلی مجازات نیست. در حقوق انضباطی ورزش، مجازات صرفاً برای تنبیه فرد خاطی تعیین نمی‌شود. یکی از مهم‌ترین اهداف آن، جلوگیری از تکرار رفتار است؛ هم از سوی شخص محکوم و هم از سوی سایر بازیگران فوتبال. این مفهوم در ادبیات حقوقی، «بازدارندگی» نامیده می‌شود.
بازدارندگی دو وجه دارد؛ بازدارندگی خاص که هدف آن جلوگیری از تکرار تخلف توسط فرد محکوم است و بازدارندگی عام که باید به سایرین پیام دهد رفتار با رفتارهای مشابه، اعتماد به نظام انضباطی را تضعیف می‌کند. در چنین شرایطی، افراد به جای آنکه به متن قانون توجه کنند، به سابقه احکام و نحوه برخورد با افراد مختلف نگاه می‌کنند. اینجاست که «عدد» از «حکم» مهم‌تر می‌شود و مخاطب به جای پرسش از مبنای حقوقی تخلف، میزان محرومیت را با پرونده‌های قبلی مقایسه می‌کند. آن‌وقت پرسش مهم‌تر، به حاشیه می‌رود؛ آیا این رأی عادلانه، مستدل، متناسب و قابل پیش‌بینی است؟

چرخه‌ای که همچنان تکرار می‌شود

رفتارهای پرخاشگرانه، اعتراض‌های شدید به داوری، توهین به عوامل مسابقه و درگیری‌های حاشیه‌ای، پدیده تازه‌ای در فوتبال ایران نیستند. سال‌هاست برای بازیکنان، مربیان و مدیران احکام انضباطی صادر می‌شود؛ اما پایان یک پرونده، به‌ندرت به معنای پایان رفتار مشابه بوده است. این تکرار، علامت هشداری جدی برای نظام انضباطی فوتبال است. اگر پس از صدور رأی، همان رفتار چند هفته یا چند ماه بعد دوباره رخ می‌دهد، باید پرسید مشکل دقیقاً کجاست؟
آیا مجازات کافی نیست؟ آیا اجرای آن بازدارندگی لازم را ندارد؟ آیا فرایند رسیدگی طولانی است؟ یا مشکل اصلی در فرهنگ حاکم بر فوتبال و ضعف در آموزش و پیشگیری ریشه دارد؟ پاسخ احتمالاً ترکیبی از همه این عوامل است. نظام انضباطی به‌تنهایی نمی‌تواند فرهنگ رفتاری فوتبال را متحول کند، اما می‌تواند با احکام دقیق، سریع، قابل پیش‌بینی و عاری از تبعیض مرزهای رفتاری را روشن‌تر سازد.

ضرورت اجرای یکسان قانون

پرونده اخیر از این جهت اهمیت بیشتری پیدا کرد که دو چهره شناخته‌شده فوتبال ایران در آن حضور دارند؛ خداداد عزیزی، ملی‌پوش سابق و چهره‌ای آشنا برای نسل‌های مختلف فوتبال و امید عالیشاه که سال‌ها در سطح اول فوتبال کشور حضور داشته است. طبیعی است که حضور چنین نام‌هایی حساسیت افکار عمومی را افزایش دهد. اما این حساسیت نباید به اجرای متفاوت قانون برای افراد مشهور منجر شود. اتفاقاً برعکس؛ شهرت باید ضرورت اجرای دقیق و یکسان مقررات را بیشتر کند. اگر قرار است مجازات بازدارنده باشد، باید برای همه یک پیام واحد داشته باشد: نام، سابقه و محبوبیت نباید اصل قانون را تغییر دهد. قانون وقتی اعتبار پیدا می‌کند که هوادار، بازیکن، مربی، مدیر و حتی چهره‌ای بسیار شناخته‌شده بداند یک رفتار مشخص، فارغ از نام فرد، با پیامد مشخصی روبه‌رو خواهد شد.

معیار واقعی موفقیت چیست؟

کیفیت یک نظام انضباطی را نمی‌توان صرفاً با تعداد احکام صادرشده یا میانگین مدت محرومیت‌ها سنجید. معیار مهم‌تر این است که پس از صدور احکام، رفتارهای مشابه کاهش یافته‌اند یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، می‌توان از اثرگذاری سخن گفت. اگر پاسخ منفی باشد، افزایش رقم مجازات‌ها نیز لزوماً مشکلی را حل نخواهد کرد. چهار ماه یا چهار جلسه، به‌خودی‌خود نه سنگین است و نه سبک.
ارزش واقعی یک عدد زمانی مشخص می‌شود که منطق پشت آن روشن باشد، اجرای آن قطعی باشد و پس از اجرا، تغییری در رفتار فوتبال ایجاد کرده باشد. در غیر این صورت، حتی اگر اعداد روی کاغذ بزرگ‌تر شوند، مسأله اصلی همچنان پابرجاست. در فوتبال حرفه‌ای، رأی انضباطی نباید پایان یک پرونده باشد؛ باید آغاز اصلاح یک رفتار باشد.
اگر پس از هر حاشیه، تنها عددی روی کاغذ ثبت شده و چند ماه بعد همان اتفاق دوباره تکرار شود، مسأله دیگر فقط میزان مجازات نیست؛ مسأله، کارآمدی کل سازوکار انضباطی است. شاید وقت آن رسیده باشد که در فوتبال ایران، به جای اینکه بعد از هر رأی فقط بپرسیم «چند جلسه؟ چند ماه؟»، یک سؤال مهم‌تر را هم جدی بگیریم؛ این حکم قرار است چه چیزی را در فوتبال تغییر دهد؟

مقایسه با نمونه‌های مشابه

یکی از دلایل اصلی نارضایتی از رأی اخیر، مقایسه آن با پیشینه احکام مشابه در فوتبال ایران است. در سال‌های اخیر، موارد متعددی از رفتارهای پرخاشگرانه یا کلامی نامناسب از سوی مربیان، سرپرستان و بازیکنان گزارش شده که برخی از آنها با محرومیت‌های کوتاه‌مدت یا جریمه‌های نقدی نسبتاً محدود مواجه شده‌اند. این تکرار الگو، این پرسش را در ذهن مخاطبان ایجاد می‌کند که آیا نظام انضباطی فوتبال، به‌جای برخورد بر اساس شدت واقعی تخلف، بیشتر بر اساس یک «تعرفه ثابت» عمل می‌کند؟ نمونه دیگری که در همین بازه زمانی و در ارتباط با ارکان قضایی فوتبال مطرح شد، رأی مرتبط با دیدار فولاد و ملوان بود؛ جایی که کمیته انضباطی ابتدا حکم داد دیدار خانگی فولاد با ظرفیت محدود و صرفاً با حضور بانوان برگزار شود اما پس از اعتراض باشگاه، کمیته استیناف این رأی را با این استدلال تغییر داد که تخلف هواداران فولاد در حدی نبوده که محرومیت مردان از حضور در ورزشگاه را توجیه کند. چنین نمونه‌هایی نشان می‌دهد که حتی در تعریف نوع مجازات و منطق پشت آن، ارکان قضایی فوتبال گاه با ناهماهنگی‌های محسوسی مواجه‌اند؛ ناهماهنگی‌هایی که به‌طور طبیعی بر اعتماد عمومی به عادلانه و بازدارنده‌بودن نظام انضباطی اثر منفی می‌گذارد. وقتی چنین نمونه‌هایی در کنار هم قرار می‌گیرند، تصویری از یک نظام انضباطی ترسیم می‌شود که در آن، معیار تعیین نوع و شدت مجازات، همواره شفاف و قابل پیش‌بینی نیست. برای مخاطب عادی فوتبال، این وضعیت به این معناست که نتیجه یک تخلف مشخص، پیشاپیش قابل حدس نیست؛ و همین عدم‌قطعیت، یکی از بزرگ‌ترین موانع در راه ایجاد بازدارندگی واقعی است.

قانونی بودن در برابر عادلانه بودن

نکته‌ای که در بحث‌های عمومی درباره این احکام کمتر به آن پرداخته می‌شود، تمایز میان دو مفهوم «انطباق با مقررات» و «تناسب با عدالت» است. همان‌گونه که در جریان بحث رادیویی نیز مطرح شد، ممکن است یک رأی کاملاً در چهارچوب آیین‌نامه انضباطی فدراسیون فوتبال صادر شده باشد و از این منظر، هیچ ایرادی بر آن وارد نباشد؛ اما همین رأی، در نگاه بخش بزرگی از افکار عمومی، با احساس عمومی از عدالت همخوانی نداشته باشد. این شکاف، معمولاً از یک منبع اصلی سرچشمه می‌گیرد که مقررات انضباطی ورزشی، اغلب سال‌ها پیش و بر اساس شرایط اجتماعی، رسانه‌ای و فرهنگی متفاوتی نوشته شده‌اند. سقف‌ها و کف‌های تعیین‌شده برای انواع تخلفات، در بسیاری از موارد به‌روزرسانی نشده‌اند، حال آنکه هم شدت و بسامد برخی رفتارهای پرخاشگرانه در فوتبال تغییر کرده و هم حساسیت اجتماعی نسبت به آنها افزایش یافته است. نتیجه این می‌شود که یک رأی می‌تواند از نظر فنی و آیین‌نامه‌ای «صحیح» باشد، اما از نظر تأثیرگذاری اجتماعی، «ناکافی» به نظر برسد. همین جاست که تأکید بر لزوم به‌روزرسانی مقررات تنبیهی متناسب با شرایط روز جامعه، اهمیت پیدا می‌کند. مقررات انضباطی نباید صرفاً بر اساس منطق داخلی و اداری فدراسیون تدوین شوند، بلکه باید بازتاب‌دهنده انتظارات و حساسیت‌های واقعی جامعه‌ای باشند که فوتبال در دل آن جریان دارد. در غیر این صورت، فاصله میان «حکم قانونی» و «حکم قانع‌کننده» همچنان باقی خواهد ماند و هر بار که رأی تازه‌ای صادر شود، همین چرخه نارضایتی تکرار می‌شود.

آیا احکام سنگین‌تر پاسخ نهایی است؟

طبیعی است که در واکنش به احکامی مانند آنچه برای عزیزی و عالیشاه صادر شد، اولین واکنش بسیاری از مخاطبان، مطالبه برخورد شدیدتر باشد. اما تجربه سایر نظام‌های انضباطی ورزشی در جهان نشان می‌دهد که صرفاً افزایش سقف مجازات‌ها، همیشه راه‌حل قطعی مسأله بازدارندگی نیست. در بسیاری از فدراسیون‌های معتبر بین‌المللی، آنچه در عمل بازدارندگی را تضمین می‌کند، ترکیبی از این عوامل است. نخست، قطعیت اجرا؛ یعنی اطمینان از اینکه هیچ فرد خاطی، صرف‌نظر از جایگاه و محبوبیتش، از دایره مجازات معاف نخواهد ماند. دوم، سرعت رسیدگی؛ چرا که تأخیر طولانی میان وقوع تخلف و صدور رأی، اثر بازدارندگی را به‌شدت کاهش می‌دهد. سوم، تدریج و تشدید در برخورد با تکرار تخلف؛ به این معنا که فردی با سابقه تخلفات مکرر، باید با مجازات‌هایی به‌مراتب سنگین‌تر از فرد خاطی برای اولین‌بار مواجه شود، و این تشدید باید در عمل و به‌روشنی قابل مشاهده باشد. چهارم، یکسان‌سازی معیارها میان تیم‌های بزرگ و کوچک، چهره‌های شناخته‌شده و کمتر شناخته‌شده؛ زیرا هرگونه احساس تبعیض در این زمینه، مشروعیت کل نظام انضباطی را زیر سؤال می‌برد. نکته قابل توجه در پرونده اخیر عزیزی، اشاره به سوابق انضباطی پیشین او در متن رأی بود؛ نکته‌ای که نشان می‌دهد اصل «تشدید در تکرار» تا حدی مورد توجه کمیته انضباطی بوده است. اما پرسش اینجاست که آیا همین میزان تشدید، برای ایجاد بازدارندگی واقعی کافی است، یا نیاز به بازتعریف کامل‌تری در نحوه محاسبه اثر سوابق پیشین بر شدت مجازات وجود دارد.

چه باید کرد؟

با توجه به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد بازنگری در نظام انضباطی فوتبال ایران، نیازمند رویکردی چندلایه است. اول، تدوین جدولی شفاف و از پیش تعیین‌شده برای انواع تخلفات و دامنه مجازات متناظر با آنها، به‌گونه‌ای که پیش از صدور هر رأی، هم فرد خاطی و هم افکار عمومی بتوانند حدود تقریبی مجازات را پیش‌بینی کنند. این شفافیت پیش‌بینی، به‌خودی‌خود می‌تواند اثر بازدارندگی را تقویت کند. دوم، ایجاد سازوکاری برای بازنگری دوره‌ای مقررات انضباطی، متناسب با تحولات اجتماعی و فرهنگی؛ همان مطالبه‌ای که در جریان بحث رادیویی نیز مطرح شد. سوم، انتشار خلاصه‌ای از استدلال‌های حقوقی پشت هر رأی مهم، به‌گونه‌ای که افکار عمومی بتواند منطق تصمیم را، فارغ از موافقت یا مخالفت با آن، درک کند. چهارم، طراحی سازوکار مشخص برای تشدید پلکانی مجازات در موارد تکرار تخلف، به‌طوری که این تشدید نه صرفاً یک اشاره کلی در متن رأی، بلکه یک فرمول قابل‌محاسبه و از پیش شناخته‌شده باشد. بحث درباره میزان بازدارندگی احکام اخیر ارکان قضایی فدراسیون فوتبال، از جمله احکامی که برای خداداد عزیزی و امید عالیشاه صادر شد، در نهایت به یک پرسش بنیادی‌تر بازمی‌گردد که آیا نظام انضباطی فوتبال ایران، ابزار لازم برای ایجاد تغییر رفتاری پایدار را در اختیار دارد، یا صرفاً به یک چرخه تکراری از صدور حکم، انتقاد عمومی و فراموشی تدریجی بسنده می‌کند؟ پاسخ به این پرسش، نه در عدد یک حکم خاص، بلکه در مجموعه‌ای از اصلاحات ساختاری نهفته است؛ اصلاحاتی که باید شفافیت، قطعیت اجرا، تناسب واقعی میان جرم و مجازات، و هماهنگی میان نهادهای مختلف قضایی فوتبال را در کانون توجه قرار دهند. تا زمانی که این اصلاحات محقق نشود، به نظر می‌رسد هر رأی تازه، صرف‌نظر از میزان دقیق آن، بار دیگر همان پرسش آشنا را در افکار عمومی زنده خواهد کرد که آیا این حکم واقعاً بازدارنده است، یا صرفاً یک نقطه پایان اداری بر یک پرونده رسانه‌ای پرسر و صدا؟

چالش‌های ساختاری ارکان قضایی فوتبال

فراتر از یک پرونده خاص، بحث درباره بازدارندگی احکام ارکان قضایی فوتبال، بازتاب‌دهنده یک سلسله چالش ساختاری عمیق‌تر است. اول، کمبود شفافیت در فرایند تدوین و بازنگری آیین‌نامه‌های انضباطی؛ این آیین‌نامه‌ها معمولاً بدون مشورت گسترده با کارشناسان حقوقی، جامعه‌شناسان ورزشی و حتی نمایندگان تماشاگران تدوین می‌شوند، و همین امر باعث می‌شود که با واقعیت‌های اجتماعی روز، فاصله بگیرند. دوم، نبود سازوکار مستقل و دقیق برای ارزیابی اثربخشی احکام صادرشده. در حال حاضر، هیچ گزارش رسمی و منظمی درباره اینکه آیا احکام محرومیت صادرشده در سال‌های اخیر واقعاً منجر به کاهش تکرار همان نوع تخلفات شده یا نه، در دسترس عموم قرار نمی‌گیرد. بدون چنین ارزیابی‌ای، هرگونه قضاوت درباره بازدارندگی یا عدم بازدارندگی احکام، بیشتر بر پایه احساس عمومی است تا داده و شواهد مستند.
سوم، همپوشانی و گاه ناهماهنگی میان تصمیمات کمیته انضباطی و کمیته استیناف، همان‌گونه که در نمونه دیدار فولاد و ملوان دیده شد. چنین ناهماهنگی‌هایی، حتی اگر از منظر حقوقی قابل توجیه باشند، در نگاه اول این پیام را به جامعه فوتبال مخابره می‌کنند که رأی نهایی، تا پایان مراحل استیناف، قابل پیش‌بینی نیست؛ و همین عدم‌قطعیت، اثر بازدارندگی مجازات‌ها را تضعیف می‌کند.

قانون برای همه یکسان است؟

یادداشت

احمدرضا براتی
کارشناس حقوقی

در فوتبال، صدور حکم انضباطی فقط به معنای تعیین میزان محرومیت یک بازیکن یا مدیر نیست؛ هر رأی، پیامی برای تمام اهالی فوتبال دارد. به همین دلیل است که پس از صدور حکم ۴ ماهه خداداد عزیزی و محرومیت ۴ جلسه‌ای امید عالیشاه، مهم‌تر از خود اعداد، این پرسش مطرح می‌شود که آیا میان تخلف و مجازات تناسب وجود دارد یا خیر.
من معتقدم ۴ ماه محرومیت برای خداداد عزیزی نیازمند بررسی جدی است. نمی‌توان تنها به عدد محرومیت نگاه کرد و از نوع رفتار، الفاظ استفاده‌شده و مجموعه اتفاقاتی که رخ داده چشم پوشید. اگر در فوتبال قرار است برخورد با توهین و رفتار غیرورزشی جنبه بازدارنده داشته باشد، باید این برخورد به اندازه‌ای باشد که پیام روشنی برای دیگران ایجاد کند.
در فوتبال بین‌المللی نیز نمونه‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد نسبت به اظهارات تحقیرآمیز و توهین‌آمیز حساسیت بالایی وجود دارد. بنابراین سؤال این نیست که چرا فلان فرد محروم شده؛ سؤال اصلی این است که مبنای تعیین میزان محرومیت چیست و آیا همین معیار برای همه اجرا می‌شود؟
از سوی دیگر، محرومیت ۴ جلسه‌ای امید عالیشاه نیز جای تأمل دارد. اگر رفتار عالیشاه مستحق ۴ جلسه محرومیت بوده، باید پرسید دقیقاً کدام رفتار او چنین مجازاتی را ایجاب کرده است. او در این ماجرا طرفی بوده که بخشی از الفاظ و رفتارهای مطرح‌شده را دریافت کرده و در نهایت خودش نیز با محرومیت مواجه شده است.
اینجاست که بحث عدالت انضباطی اهمیت پیدا می‌کند. قانون نباید تحت تأثیر نام بازیکن، جایگاه او یا فضای هواداری تغییر کند. اگر نگرانی از واکنش هواداران یک باشگاه در تصمیم‌گیری انضباطی اثرگذار باشد، اصل بی‌طرفی و برابری در اجرای مقررات زیر سؤال می‌رود.
همین موضوع باعث می‌شود سؤال دیگری نیز مطرح شود؛ اگر امید عالیشاه مستحق ۴ جلسه محرومیت است، تکلیف رفتارهای مشابه بازیکنان دیگر چه می‌شود؟ برای نمونه، درباره رفتارهای شجاع خلیل‌زاده نیز باید همین معیار اعمال شود. نمی‌توان برای یک بازیکن یک استاندارد تعیین کرد و برای بازیکن دیگر استانداردی متفاوت.
در نظام انضباطی، مهم‌تر از شدت یک حکم، ثبات در اجرای قانون است. بازیکن و مربی باید بدانند که اگر رفتاری نامتعارفی انجام دهند، فارغ از اینکه پیراهن چه باشگاهی را بر تن دارند یا چه تعداد هوادار پشت سرشان قرار دارد، با پیامد مشخصی روبه‌رو خواهند شد.
از طرف دیگر، برخی رفتارها ممکن است علاوه بر تخلف انضباطی، واجد جنبه‌های حقوقی دیگری نیز باشند. بنابراین نباید تصور کرد که رسیدگی کمیته انضباطی الزاماً پایان ماجراست. اگر رفتار یا الفاظی واجد شرایط قانونی باشد، مراجع قضایی دیگر نیز می‌توانند در چهارچوب قانون به آن ورود کنند.
فوتبال ایران بیش از هر زمان دیگری به احکام شفاف، متناسب و قابل پیش‌بینی نیاز دارد. کمیته‌های انضباطی باید به شکلی عمل کنند که هیچ‌کس احساس نکند نام، جایگاه یا هواداران یک تیم می‌توانند در میزان مجازات تأثیر بگذارند. در نهایت، سؤال ساده است که اگر عالیشاه مستحق ۴ جلسه محرومیت است، حکم رفتارهای مشابه دیگران چه خواهد بود؟ پاسخ به همین سؤال است که نشان می‌دهد قانون در فوتبال ما واقعاً برای همه یکسان اجرا می‌شود یا نه.

شاه‌حسینی: احکام انضباطی فوتبال هنوز بازدارندگی لازم را ایجاد نکرده‌اند

نقد منصفانه با فحاشی و افترا تفاوت دارد

شاه‌حسینی، رئیس پیشین کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال، با تأکید بر ضرورت برخورد عادلانه با ناهنجاری‌های فوتبال گفت: «نباید یک پرونده را جدا از مجموعه عوامل اجتماعی، فردی، محیطی و مدیریتی بررسی کرد. تکرار چنین رفتارهایی نشان می‌دهد که باید به ریشه‌های این معضلات توجه بیشتری شود و رسانه‌ها نیز در این زمینه نقش مهمی دارند.» وی درباره مرز نقد و تخلف توضیح داد: «نقد منصفانه به پیشرفت فوتبال کمک می‌کند، اما باید آن را از تهمت، افترا، نشر اکاذیب و فحاشی تفکیک کرد. برخی رفتارها علاوه بر تخلف انضباطی، ممکن است عنوان مجرمانه داشته باشند و در چنین شرایطی باید موضوع به مراجع قضایی ارجاع شود.» شاه‌حسینی افزود: «هدف از مجازات فقط جریمه کردن نیست؛ اصلاح و تربیت، برقراری عدالت، حفظ نظم و جبران خسارت‌های مادی و معنوی نیز اهمیت دارد. متأسفانه احکام انضباطی فوتبال تاکنون اثر پیشگیری و بازدارندگی مورد انتظار را نداشته‌اند. جریمه مالی نیز همیشه بازدارنده نیست، به‌خصوص زمانی که پرداخت آن مستقیماً بر عهده فرد متخلف نباشد.» وی با انتقاد از اجرای سلیقه‌ای مقررات گفت: «قانون نباید به جایگاه افراد و باشگاه‌ها وابسته باشد. باشگاه‌ها نیز باید پیش از ورود ارکان قضایی، در چهارچوب آیین‌نامه‌های داخلی خود با متخلفان برخورد کنند، نه اینکه در برخی موارد از آنها دفاع شود.» رئیس پیشین کمیته انضباطی در پایان تأکید کرد: «رسیدگی به تخلفات باید بدون ملاحظه جایگاه افراد انجام شود. اگر قرار است نظام انضباطی فوتبال اعتبار و قدرت بازدارندگی داشته باشد، باید با تخلفات مدیران و مسئولان نیز همانند سایر افراد برخورد شود.»